

خدیجه بوذرجمهری

دانشگاه فردوسی مشهد

شماره مقاله: ۳۶۹

## تفاوت‌های جغرافیایی و نقش آن در توسعه (نمونه؛ شهرستان مشهد)

Kh. Boozardjomehri

*Ferdowsi University of Mashhad*

### Local Differentiations and their Roles in Development

(Case study; Mashhad Township)

Since study of regions in ecological point of view is not accepted at present time, it is better that geography researches about local differentiations focusing human life via studying of different societies and geographical regions. Unfortunately early concept uses environmental determinism for presenting of Underdevelopment conditions in deprived societies. However in local - regional geography radical approach for detection of differences emphasis on causality is necessary, So progress and development background will be obtained for geographical regions.

Present paper is based on this view and in order to study, ten rural centers in Mashhad township were selected in simple random sampling method and based on physical situation (plain, mountain ...) and their differences and similarities based on scientific field research, by using an statistical software "SPSS" were Analysed.

مقدمه

شکلهای مختلف زندگی انسانها تحت تأثیر عوامل طبیعی و انسانی قرار دارد. هر محیط جغرافیایی همچنان که دارای آثار انسانی است از تأثیرات محیط طبیعی نیز بهره‌مند است. این عوامل در

ایجاد شرایط و اشکال گوناگون زندگی و معیشت‌های متفاوت در مکان‌های مختلف دخالت دارند. هدف این مقاله نمایاندن چهره‌ها و سطوح مختلف زندگی در رابطه با محیط‌های مختلف طبیعی است. به عبارتی هدف بررسی و شناخت تضادها و تشابهات وضعیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی گروه‌های انسانی در نواحی مختلف جغرافیایی است.

در راستای این هدف به عنوان نمونه نوع معیشت، سطح زندگی، رفاه، میزان درآمد و ... ساکنین روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای شهرستان مشهد را مورد بررسی قرار می‌دهیم. پیش فرض اصلی ما در این تحقیق این است که ساکنین روستاهای کوهستانی بسیار محروم‌تر و از نظر سطح زندگی در سطح پائینتری از ساکنین روستاهای جلگه‌ای قرار دارند. در این جا نمی‌خواهیم به مسأله جبر جغرافیایی و محیطی برگردیم و محیط را رنگ محض طبیعت بدانیم، بلکه می‌خواهیم بگویم شرایط سخت نواحی کوهستانی و عدم توجه به محیط‌های فوق در برنامه‌ریزی‌های توسعه از عوامل عمده محرومیت این نواحی هستند. چراکه در موارد مشابه طبیعی در خیلی از نواحی کوهستانی در کشورهای پیشرفته جهان با کشف استعدادها و امکانات بالقوه براساس برنامه‌ریزی‌های دقیق شرایط بسیار مساعد و مناسبی برای ساکنین چنین مناطقی فراهم کرده‌اند.

ضرورت تحقیق درباره این مسأله از آن جهت است که نسبت به شناخت نواحی مختلف طبیعی و جغرافیایی توجه بیشتری صورت گیرد و شرایط و عوامل باز دارنده پیشرفت و توسعه نواحی فوق مشخص شود، و با عنایت به پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل طبیعی و انسانی هر مکان در جهت بهبود وضعیت زندگی ساکنین آن برنامه‌ریزی‌های اصولی و مناسب انجام پذیرد.

#### فرضیات تحقیق

- ۱- بین فعالیتهای اقتصادی زنان و مردان روستایی و موقعیت طبیعی روستاها رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سطح زندگی و رفاه خانوارهای روستایی و موقعیت طبیعی روستاها رابطه وجود دارد.
- ۳- بین تمایل روستاییان به مهاجرت و شهرنشینی با موقعیت طبیعی روستاها رابطه وجود دارد.

#### روش تحقیق

اطلاعات این تحقیق در مطالعات میدانی از روستاهای نمونه مورد مطالعه و از خانوارهای روستایی با تنظیم پرسشنامه جمع‌آوری شده است. پرسشنامه‌های خانوار با پرسش از زنان روستایی تکمیل شده است و سؤالات در زمینه موقعیت اقتصادی اجتماعی فرهنگی و بهداشتی خانوارها بوده است.

در تحقیق حاضر طی دو مرحله از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. در مرحله

اول بر مبنای فواصل روستاهای شهرستان مشهد از شهر مشهد، روستاهای نمونه را به طریق تصادف اما به روش تخصیص متناسب (PPS)<sup>۱</sup> انتخاب کرده‌ایم. یعنی نحوه نمونه‌گیری «طبقه‌ای» و حجم نمونه را متناسب با حجم طبقات تخصیص یافته است. در مرحله دوم نمونه‌گیری انتخاب واحدهای نمونه (خانوارهای روستایی) از روستای انتخاب شده به روش تصادفی ساده انجام گرفته است. که حجم واحدهای نمونه متناسب با حجم خانوارها در روستاهای موردنظر به تعداد ۱۱۵ خانوار انتخاب شده است. از مجموع ۶۱۳ روستای دارای سکنه شهرستان مشهد، بعد از «غربال‌گری»<sup>۲</sup> ۱۰ روستا یعنی بطور متوسط به میزان ۲/۴٪ روستاهای شهرستان مشهد انتخاب شده و ۵ روستای جلگه‌ای و ۵ روستای کوهستانی به عنوان نمونه به دست آمدند که موقعیت آنها روی نقشه شماره ۱ مشخص شده است.

بعد از استخراج اطلاعات از خانوارهای نمونه به وسیله کامپیوتر و با استفاده از نرم‌افزار (SPSS) تحلیلهای آماری انجام گرفت.

در بخش اول تحلیل آماری به توصیف و بررسی وضعیت موجود ساکنین روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای پرداخته شده است. بخش دوم به آزمون فرضیات تحقیق اختصاص یافته است. که برای انجام این نوع تحلیل از روش آماری و آزمون همبستگی «کی‌دو»<sup>۳</sup> و در پاره‌ای موارد نیز از آزمون «T»<sup>۴</sup> «استیودنت» استفاده شده است.

### بخش اول - تحلیل آماری

شهرستان مشهد در سال ۱۳۶۵، دارای ۷ بخش (طرقبه، مرکزی، احمدآباد، کلات، فریمان، چناران و سرخس) و ۲۳ دهستان و جمعاً ۱۸۱۶ آبادی بوده است که ۱۲۴۲ آبادی دارای سکنه و بقیه خالی از سکنه بوده‌اند. اما طبق آخرین تغییرات و تقسیمات اداری که در سال ۱۳۷۳ در این شهرستان انجام شد، بخشهای سرخس و چناران و فریمان از مشهد جدا شده به صورت شهرستانهای مستقلی درآمدند. لذا جامعه آماری ما شامل نواحی روستایی شهرستان مشهد و بر اساس بخشهای پنجگانه احمدآباد، کلات، طرقبه و بخش مرکزی و رضویه بوده است.

1- Probability proportional to size.

۲- آمارنامه استان خراسان، سازمان برنامه و بودجه استان خراسان، سال ۱۳۷۱، ص ۳۲.

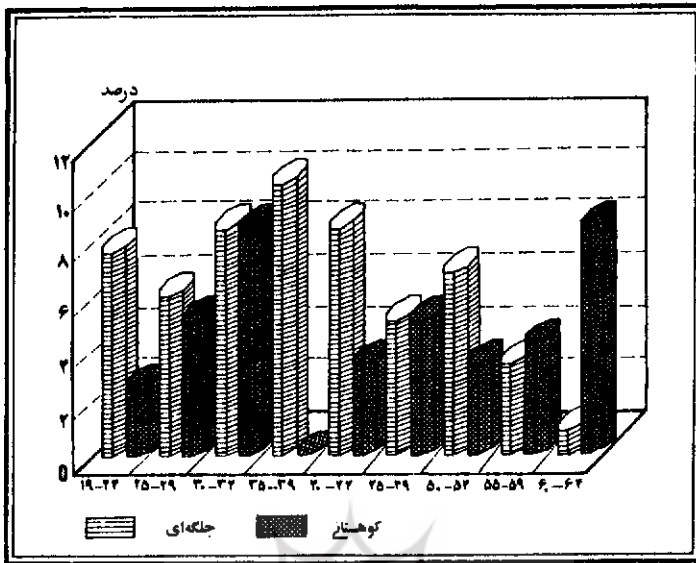
۳- حذف روستاهای زیر بیست خانوار.

شهرستان مشهد از نظر موقعیت طبیعی در شمال شرق استان خراسان و در جلگه کشف‌رود و بین کوه‌های هزار مسجد در شمال و کوه‌های بینالود در جنوب واقع شده است. بنابراین از نظر طبیعی دارای دو نوع روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای است. متأسفانه بیشتر روستاهای کوهستانی این شهرستان علی‌رغم فاصله کم از شهر مشهد به دلیل مشکلات طبیعی و عدم سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی از وضعیت نامطلوب‌تری برخوردارند. بدیهی است که برای جلوگیری از تخلیه این روستاها و سرازیر شدن جمعیت آنها به روستاهای جلگه‌ای و یا افزایش جمعیت شهرنشین مشهد و بروز مشکلات عدیده دیگر، به بهبود شرایط زیستی و اقتصادی این روستاها از سوی مسئولان و برنامه‌ریزان بیشتر توجه شود.

وضعیت موجود خانوارهای روستایی ساکن در روستاهای این شهرستان به تفکیک کوهستانی و جلگه‌ای به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

#### ۱- ساختمان سنی جمعیت

از خصوصیات کمی ساختمان جمعیتها، توزیع آنها بر حسب سن است، که هر گونه تجزیه و تحلیل دموگرافیک را ممکن می‌سازد. مخصوصاً در پیش‌بینی وضع آینده جمعیت و برنامه‌ریزیهای بلندمدت مورد استفاده قرار می‌گیرد. بررسی آماری گروه‌های سنی جمعیت نواحی روستایی و شهری شهرستان مشهد نشان می‌دهد که این جمعیت در سال ۱۳۶۵ نسبت به دوره‌های قبل جوانتر شده است. بطوری که درصد کل جمعیت در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال از حدود ۴۰/۵٪ در سال ۱۳۳۵ به ۴۶/۳٪ در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است. همچنین درصد گروه سنی (۰-۱۴) سال در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری بوده است که دلیل آن جوانی جمعیت است. و نیز درصد گروه سنی بزرگسالان (۱۵-۶۴) سال مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری است که دلیل عمده آن مهاجرت به شهرها است. ساختمان سنی جمعیت در بین روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای شهرستان مشهد نیز متفاوت است. بدین صورت که در ضمن تحقیقات مشخص شد که در روستاهای جلگه‌ای ساختمان سنی جمعیت جوانتر از روستاهای کوهستانی است. بر اساس نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود که بطور مثال جمعیت زنان گروه سنی (۱۹-۲۴) ساله در روستاهای جلگه‌ای چهار برابر تعداد زنان همین مقطع سنی در روستاهای کوهستانی است. در مقابل تعداد زنان کهنسال ۶۰-۶۴ ساله در روستاهای کوهستانی ده برابر تعداد زنان روستاهای جلگه‌ای در همین مقطع سنی می‌باشند. براین اساس روستاهای کوهستانی دارای جمعیت پیر و غیرفعال است. که احتمالاً به علت مهاجرت فرستی بیشتر این نواحی است.

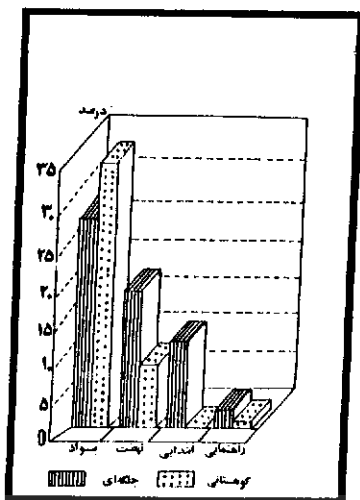


نمودار شماره ۱: گروه‌های سنی زنان روستایی شهرستان مشهد بر حسب موقعیت طبیعی روستاها

## ۲- وضعیت سواد

بین روستاهای کوهستانی و جنگه‌ای از نظر خدمات آموزشی و میزان سواد تفاوت فاحشی وجود دارد. به این صورت که گرچه در تمامی ۱۰ روستای نمونه مورد تحقیق دبستان وجود دارد اما از نظر داشتن مدرسه راهنمایی تمامی روستاهای جنگه‌ای مورد مطالعه مدرسه راهنمایی دارند در حالی که تنها ۲۰٪ روستاهای کوهستانی از وجود مدرسه راهنمایی برخوردارند. لذا امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر عملاً برای فرزندان این نواحی محدود می‌شود.

بطور کلی سطح سواد در روستاهای کوهستانی پائینتر از روستاهای جنگه‌ای است. بطور مثال بیش از ۶۰٪ زنان روستایی ۱۵ ساله و بیشتر شهرستان مشهد بیسواد هستند که اکثریت آنها در روستاهای نواحی کوهستانی زندگی می‌کنند. در روستاهای جنگه‌ای حدود ۱۳٪ زنان سواد ابتدایی دارند در حالی که در روستاهای کوهستانی کمتر از ۱٪ سواد ابتدایی دارند. در روستاهای اخیر تنها حدود ۹/۶٪ زنان از طریق نهضت سوادآموزی باسواد شده‌اند. لذا میزان بیسوادی زنان در این نواحی به حدود ۹۰٪ می‌رسد در حالی که در روستاهای جنگه‌ای ۶۸/۷٪ زنان بیسواد هستند.



نمودار شماره ۲: مقایسه میزان سواد زنان روستایی شهرستان مشهد بر حسب موقعیت طبیعی

### ۳- تغذیه، بهداشت و سلامت

در این تحقیق به منظور مقایسه وضعیت تغذیه خانوارهای روستایی در نواحی کوهستانی و جلگه‌ای مصرف گوشت ماهانه را به عنوان شاخص انتخاب کردیم. چنانکه در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود میانگین مصرف گوشت ماهانه خانوارهای روستایی ۵ کیلوگرم است ولی این میانگین در روستاهای کوهستانی ۱/۹ کیلوگرم و در روستاهای جلگه‌ای ۶/۸ کیلوگرم است. همچنین معلوم شد که مصرف گوشت ماهانه حدود ۷/۸٪ خانوارهای روستایی که غالباً ساکن نواحی کوهستانی هستند تقریباً صفر است. و ۲۳/۶٪ خانوارها بطور متوسط کمتر از ۲ کیلوگرم گوشت در غذای ماهانه خود مصرف می‌کنند که باز ۱۰٪ آنان ساکن روستاهای کوهستانی هستند. اما از سویی ۲۸٪ خانوارهای روستایی بیشتر از ۸ کیلوگرم گوشت در ماه مصرف می‌کنند که تماماً شامل سکنة روستاهای جلگه‌ای هستند. به عبارتی در روستاهای کوهستانی علی‌رغم رواج دامداری گوشت کمتری مصرف می‌شود. تنها زمانی که دام آنها مریض باشد اجباراً به ذبح و در نتیجه مصرف گوشت آن اقدام می‌نمایند. از عوامل عمده این امر می‌توان فقر و کمی درآمد خانوارها و عدم استفاده از یخچال به دلیل نبودن برق و همچنین عدم وجود امکانات و خدمات کافی چون جاده‌های ارتباطی مناسب و وسایل ایاب و ذهاب کافی به شهر و نبودن قصابی در این روستاها را ذکر کرد. موانع فوق و نیز رواج شیوه‌های سنتی در حفظ و نگهداری گوشت

عدم توجه به تغذیه مناسب سبب شده است که اولاً مصرف گوشت منحصراً در زمستان آن هم به صورت محدود باشد و ثانیاً رژیم غذایی آنها بسیار ساده، ابتدایی و یکنواخت باشد.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی مصرف گوشت ماهانه خانوارهای روستایی بر حسب موقعیت طبیعی

	کمتر از ۲ کیلو		۲-۴ کیلو		۴-۶ کیلو		۸-۶ کیلو		بیش از ۸ کیلو		میانگین
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
جلگه‌ای	۵	۴/۷	۸	۷/۵	۱۴	۱۳/۲	۹	۸/۵	۳۰	۲۸/۳	۶/۸
کوهستانی	۲۰	۱۸/۹	۱۵	۱۴/۲	۴	۳/۸	۱	۰/۹	-	-	۱/۹
کل	۲۵	۲۳/۶	۲۳	۲۱/۷	۱۸	۱۷	۱۰	۹/۴	۳۰	۲۸/۳	۵

از نظر وضعیت بهداشت و سلامت باید گفت که ۹۸/۵٪ روستاهای جلگه‌ای دارای آب لوله‌کشی و صد در صد آنها از نعمت برق برخوردار بودند در حالی که تنها ۳۹/۶٪ روستاهای کوهستانی آب لوله‌کشی و ۳۴/۸٪ آنها برق داشتند (جدول شماره ۲). نبودن برق و آب آشامیدنی سالم و بهداشتی و در دسترس، برای خانوارهای روستایی مشکلاتی را از نظر برخورداری از تغذیه و بهداشت مناسب ایجاد می‌کند. که علاوه بر بروز بیماریهای مختلف منجر به مرگ و میر کودکان، ساعات زیادی از وقت زنان و دختران برای تهیه آب آشامیدنی گرفته می‌شود و مانع از پرداختن به فعالیتهای تولیدی و اقتصادی می‌گردد. همچنین به دلیل سختی کار و معیشت و عدم امکانات رفاهی و درمانی و تغذیه مناسب بخصوص در روستاهای کوهستانی، زنان دچار بیماریهای مختلف از جمله کمردرد و پادرد و غیره می‌شوند. بطوریکه در این پژوهش مشاهده گردید ۳۴/۳٪ زنان روستاهای کوهستانی دچار بیماریهای استخوانی هستند در حالی که در روستاهای جلگه‌ای ۲۵/۵٪ آنان به این بیماریها مبتلایند. در مقابل درصد بیماریهای استخوانی، بیماریهای قلبی و فشارخون در روستاهای جلگه‌ای بیش از روستاهای کوهستانی است. که این امر احتمالاً به دلیل مصرف بیشتر مواد گوشتی است.

بیشتر روستائیان برای معالجه به درمانگاه و بیمارستانهای خیریه و دولتی در شهر مشهد مراجعه می‌نمایند زیرا اولاً مراکز درمانی و خانه‌های بهداشت در همه روستاها وجود ندارد. ثانیاً دسترسی به شهر آسانتر از رفتن به دیگر روستاهاست و ثالثاً در همه ایام در مراکز درمانی روستایی پزشک وجود ندارد و تنها به صورت واحدهای سیار هر از گاهی از روستاهای سر راه سرکشی می‌کنند. موضوع دیگر عدم دسترسی به دارو در روستاست که خود ضرورت مراجعه به شهر را تشدید می‌کند.

از ده روستای نمونه مورد بررسی پنج روستا فاقد خانه بهداشت و مرکز درمانی بود (سربرج، ابرده سفلی، مایون سفلی، حسین آباد قرقی و کارغش علیا) که بجز حسین آباد قرقی بقیه جزو روستاهای کوهستانی هستند. لذا مشاهده می‌گردد که تنها ۲۰٪ روستاهای کوهستانی دارای خانه بهداشت است در حالی که ۸۰٪ روستاهای جلگه‌ای از مراکز درمانی و خدمات بهداشتی برخوردارند.

جدول شماره ۲: برخورداری مسکن روستایی از امکانات آب لوله‌کشی، برق و حمام

	جلگه‌ای		کوهستانی		کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
آب لوله‌کشی	۶۶	۹۸/۵	۱۹	۳۹/۶	۸۵	۷۳/۹
برق	۶۷	۱۰۰	۲۱	۳۴/۸	۸۸	۷۶/۵
حمام	۱۸	۲۶/۹	۱	۲/۱	۱۹	۱۶/۵

#### ۴- مشاغل و فعالیتهای اقتصادی

فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در روستاهای شهرستان مشهد بر اساس حجم نمونه مطالعه و بررسی شد و نتایج حاصله بر حسب نواحی کوهستانی و جلگه‌ای و به تفکیک انواع فعالیتها مورد مقایسه و ارزیابی قرار گرفت. از زنان ۱۱۵ خانوار روستایی مورد بررسی ۷۴٪ علاوه بر مسؤولیت انجام امور خانه‌داری به فعالیتهای اقتصادی چون کشاورزی و باغداری و دامداری و قالی‌بافی اشتغال داشتند. چنان که از نمودار شماره ۳ برمی‌آید ۵۸/۸٪ آنان در بخش کشاورزی فعالیت دارند که در روستاهای جلگه‌ای رونق بیشتری دارد. در مقابل فعالیت دامداری در روستاهای کوهستانی اهمیت پیدا می‌کند و حدود ۱۹٪ زنان به آن اشتغال دارند. ولی در جلگه‌ها ۷/۱٪ به دامداری می‌پردازند.

بررسی فعالیتهای اقتصادی مردان روستایی نشان می‌دهد که حدود ۴۲/۵٪ آنان در درجه اول به امور زراعی اشتغال دارند که این نسبت در روستاهای جلگه‌ای بیشتر است. دومین فعالیت اقتصادی مردان کارگری است که ۱۷/۷٪ آنها به این فعالیت می‌پردازند و نسبت آن نیز در روستاهای جلگه‌ای بیشتر است. اما سومین فعالیت آنان از نظر درآمدزایی دامداری است که در روستاهای کوهستانی از اهمیت بیشتری برخوردار است (۱۳/۳٪). چهارمین فعالیت اقتصادی مردان از نظر درصد توزیع فراوانی مشاغل آزاد و بخصوص حرفه رانندگی تراکتور و وانت و کامیون و غیره است که ۱۲/۴٪ مردان روستایی به آن می‌پردازند. که این فعالیت در روستاهای جلگه‌ای اهمیت خیلی بیشتری دارد. از مشاغل دیگر می‌توان

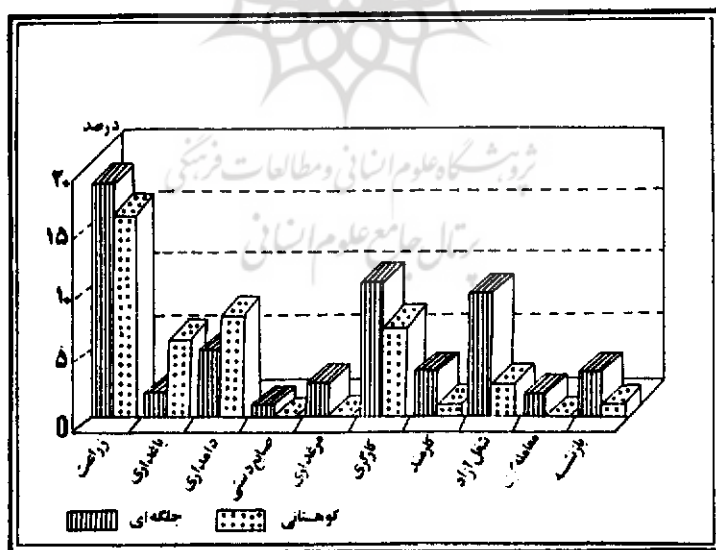


صنایع دستی، مرغداری، کارمندی و معامله‌گری و بنگاه‌داری را نام برد که از نظر فراوانی اهمیت کمتری دارند اما بعضاً چون معامله‌گری درآمدزا هستند. لذا با توجه به نمودار شماره ۳ مشاهده می‌شود که بجز دامداری و باغداری که در روستاهای کوهستانی اهمیت بیشتری دارد، بقیه فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای جلگه‌ای بیشتر وجود دارد به عبارتی تنوع مشاغل در روستاهای جلگه‌ای بیشتر است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی شهرستان مشهد

بر حسب موقعیت طبیعی روستاها

ردیف	نوع فعالیت	جلگه‌ای		کوهستانی		جمع	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	قالی‌بافی	۴	۴/۷	۱	۱/۲	۵	۵/۹
۲	کارگر روستایی	۳	۳/۵	۳	۳/۵	۶	۷/۱
۳	کار در مزرعه خانوادگی	۲۹	۳۴/۱	۲۱	۲۴/۷	۵۰	۵۸/۸
۴	دامداری	۶	۷/۱	۱۶	۱۸/۸	۲۲	۲۵/۹
۵	سایر (خیاطی و ...)	۲	۲/۴	-	-	۲	۲/۴
	جمع	۴۴	۵۱/۸	۴۱	۴۸/۲	۸۵	۱۰۰



نمودار شماره ۳: توزیع فراوانی مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی مردان روستایی شهرستان مشهد

بر حسب موقعیت طبیعی روستاها

بررسی میزان درآمد خانوارهای روستایی بیانگر آن است که متوسط درآمد ماهانه خانوارها ۲۷۵/۰۰۰ ریال می‌باشد ولی این میزان برای نواحی جلگه‌ای ۳۹۰/۰۰۰ ریال و برای نواحی کوهستانی ۱۲۰/۰۰۰ ریال است. با محاسبه‌ای که از طریق فرمول ضریب تغییرات<sup>۴</sup> درآمد خانوارها به دست آمد، چون ضریب تغییرات درآمد در روستاهای جلگه‌ای (۱/۴۳) و بزرگتر از ضریب تغییرات درآمد در روستاهای کوهستانی (۱/۲) بوده است، نتیجه می‌گیریم که گرچه متوسط درآمد خانوارهای کوهستانی کمتر است اما همگن‌تر می‌باشد. و اختلاف درآمد بین خانوارهای روستاهای کوهستانی کمتر است. برعکس در روستاهای جلگه‌ای، اختلاف درآمد خانوارها و انحراف معیار از میانگین بسیار بیشتر است.

در جدول شماره ۴ توزیع فراوانی درآمد ماهانه خانوارهای روستایی بر حسب موقعیت طبیعی روستاها آورده شده است. چنان که از جدول فوق پیداست، حداکثر درآمد ماهانه در روستاهای کوهستانی ۳۰۰/۰۰۰ تا ۴۰۰/۰۰۰ ریال است و فقط ۳/۵٪ خانوارها دارای چنین درآمدی هستند، در حالی که در روستاهای جلگه‌ای تا بیش از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال درآمد ماهانه نیز وجود دارد و ۴/۳٪ خانوارها چنین درآمدی دارند.



۴- ضریب تغییرات درآمد ماهانه خانوارهای روستایی برحسب روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای به شرح زیر

محاسبه شده است:

ریال  $(\bar{x}) = 120/000$  میانگین درآمد ماهانه خانوار در روستاهای کوهستانی

ریال  $(\bar{x}) = 390/000$  میانگین درآمد ماهانه خانوار در روستاهای جلگه‌ای

ریال  $(S, \text{std}) = 100/000$  واریانس درآمد در روستاهای کوهستانی

ریال  $(S, \text{std}) = 290/000$  واریانس درآمد در روستاهای جلگه‌ای

$$(SV) = \frac{(\bar{x})}{S} = \frac{120/000}{100/000} = 1/2$$

$$(SV) = \frac{(\bar{x})}{S} = \frac{390/000}{29} = 1/34$$

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی درآمد ماهانه خانوارهای روستایی بر حسب موقعیت طبیعی

ردیف	درآمد ماهانه (ریال)	جنگه‌ای		کوهستانی		جمع	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	بدون درآمد	۲	۱/۷	۷	۶/۱	۹	۷/۸
۲	۱۰۰/۰۰۰ - ۱۰۰۰/۰۰۰	۷	۶/۱	۲۱	۱۸/۳	۲۸	۲۴/۳
۳	۱۰۰۰/۰۰۰ - ۲۰۰۰/۰۰۰	۱۱	۹/۶	۱۴	۱۲/۲	۲۵	۲۱/۷
۴	۲۰۰۰/۰۰۰ - ۳۰۰۰/۰۰۰	۱۴	۱۲/۲	۲	۱/۷	۱۶	۱۳/۹
۵	۳۰۰۰/۰۰۰ - ۴۰۰۰/۰۰۰	۹	۷/۸	۴	۳/۵	۱۳	۱۱/۳
۶	۴۰۰۰/۰۰۰ - ۵۰۰۰/۰۰۰	۸	۷	-	-	۸	۷
۷	۵۰۰۰/۰۰۰ - ۱۰۰۰۰/۰۰۰	۱۱	۹/۶	-	-	۱۱	۹/۶
۸	بیش از ۱۰۰۰۰/۰۰۰	۵	۴/۳	-	-	۵	۴/۳
	جمع	۶۷	۵۸/۳	۴۸	۴۱/۷	۱۱۵	۱۰۰

## بخش دوم - آزمون فرضیات و تحلیل دو متغیره‌ها

در این بخش به بررسی و تحلیل آمارهای دو متغیره می‌پردازیم و تفاوت‌های جغرافیایی را در وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی خانوارهای روستایی مورد آزمون قرار می‌دهیم.

گرچه امروزه دیگر جبر محیط طرفداری ندارد و محیط طبیعی به دست انسان تغییر شکل اساسی می‌یابد. در واقع طبیعت امکان می‌دهد و انسان اختیار می‌کند اما چنان که مشاهده شد فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای کوهستانی از تنوع کمتری برخوردار است ولی عامل محیط طبیعی نمی‌تواند صرفاً و بطور مستقیم سبب این محدودیت باشد بلکه عوامل و موانع بازدارنده چون زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی نامناسب و ناکافی و عدم توجه به این نواحی در برنامه‌ریزی‌های عمرانی و پاره‌ای عوامل دیگر از علل عقب ماندگی نواحی کوهستانی می‌باشند. با استفاده از تست «کی دو»<sup>۲</sup> و «T» به بررسی فرضیات تحقیق می‌پردازیم و رابطه و سطح معنی داری آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

فرضیه اول: با آزمون «کی دو» معلوم شد بین فعالیت‌های اقتصادی زنان و مردان روستایی و موقعیت طبیعی روستاها ارتباط معنی داری در سطح ۰.۵٪ وجود دارد. با مشاهده آمار و اطلاعات جدول شماره ۳ مشخص می‌گردد که تفاوت‌های محیط طبیعی در تنوع فعالیتها و مشاغل نقش داشته است. بطوری که

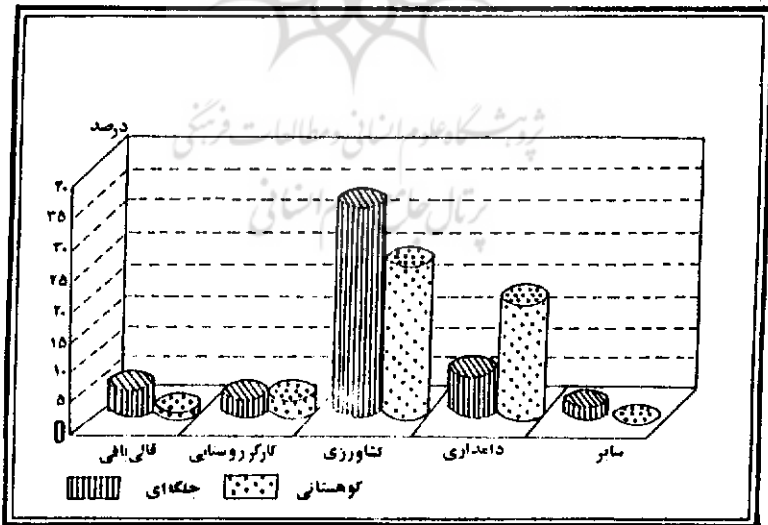
زنان روستاهای جلگه‌ای علاوه بر کشاورزی در فعالیتهای دیگری نظیر دامداری، کارگری و قالی‌بافی فعال هستند. اما در روستاهای کوهستانی مشاغل آنها غالباً به دامداری منحصر می‌شود. در مورد فعالیتهای اقتصادی مردان روستایی نیز نتایج مشابهی حاصل شده است. با آزمون (کی‌دو) مشاهده شد که بین فعالیتهای اقتصادی آنان (تولیدی و غیرتولیدی) برحسب موقعیت طبیعی روستاها در سطح ۵٪ رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به جدول شماره ۵ و نیز نمودار شماره ۴ مشخص می‌شود که در روستاهای کوهستانی فعالیتهای تولیدی (دامداری و کشاورزی) رایج است در حالی که در روستاهای جلگه‌ای مشاغل و فعالیتهای غیرتولیدی مانند معامله‌گری و کارگری و مشاغل آزاد نیز وجود دارد.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی فعالیتهای تولیدی و غیرتولیدی سرپرستان خانوار بر حسب موقعیت طبیعی

جمع	کوهستانی		جلگه‌ای			
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۹/۳	۶۷	۳۰/۱	۳۴	۲۹/۲	۳۳	فعالیتهای تولیدی
۱۶/۷	۴۶	۱۱/۵	۱۳	۲۹/۲	۳۳	فعالیتهای غیرتولیدی
۱۰۰	۱۱۳	۲۶/۱	۴۷	۵۸/۴	۶۶	جمع

$$X^2 = 4068$$

$$\text{Sin} = 0.03$$



نمودار شماره ۴: فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی شهرستان مشهد بر حسب موقعیت طبیعی

فرضیه دوم: بین سطح زندگی و رفاه خانواده‌های روستایی و موقعیت طبیعی روستاها رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از شاخصهای ثروت و وسایل خانگی استفاده شده است. بعد از امتیازبندی معلوم شد که سطح زندگی و رفاه روستاییان در جلگه‌ها بهتر از نواحی کوهستانی است چنان که از جدول شماره ۶ برمی آید، بیشتر خانوارهای نواحی کوهستانی از نظر ثروت و امکانات زندگی در سطح ضعیفی هستند. در روستاهای جلگه‌ای ۲۰٪ خانوارها از وضعیت متوسط و حدود ۱۹٪ از سطح زندگی خوب و عالی برخوردارند و تقریباً کلیه وسایل و امکانات موردنیاز خانواده را در سطح نسبتاً استاندارد در اختیار دارند. با استفاده از آزمون «T» مشخص شد که بین ثروت و سطح زندگی خانوارهای روستایی شهرستان مشهد بر حسب موقعیت طبیعی روستاها در سطح ۰/۰۰۱ تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی وضعیت ثروت و سطح زندگی خانوارهای روستایی بر حسب موقعیت طبیعی<sup>۵</sup>

	ضعیف		نسبة ضعیف		متوسط		خوب		عالی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
روستاهای جلگه‌ای	۱	۰/۹	۲۱	۱۸/۳	۲۳	۲۰	۱۲	۱۰/۴	۱۰	۸/۷
روستاهای کوهستانی	۳۴	۲۹/۶	۹	۷/۸	۴	۳/۵	-	-	۱	۰/۹
جمع	۳۵	۳۰/۴	۳۰	۲۶/۱	۲۷	۲۳/۵	۱۲	۱۰/۴	۱۱	۹/۶

$$\text{Sin} = 0.001$$

بدیهی است که سطح زندگی خانوار تحت تأثیر درآمد است، به عبارتی خانوارهای با درآمد بیشتر مسلماً از ثروت و امکانات و وسایل زندگی بهتری برخوردارند. این مطلب با آزمون «کی دو» تست و

۵- شاخص ثروت را وسایل زندگی خانوارها در نظر گرفتیم، که شامل: یخچال، فریزر، تلویزیون، رادیو، ضبط، ویدئو، اجاق گاز، بخاری، پنکه، کولر، اتورقی، آسیاب برقی، چرخ خیاطی، آب میوه‌گیری، چرخ گوشت، ماشین لباسشویی، جاروبرقی هستند. سپس وسایل فوق امتیازبندی گردیدند بدین ترتیب که به مهمترین و ضروریترین وسایل کمترین رتبه و بیشترین امتیاز را به ابزاری که کمتر ضروری هستند داده شد. بر اساس امتیازات به دست آمده این طبقه‌بندی صورت گرفته است: خانوارهای کمتر از ۵ امتیاز (ضعیف)، ۶ تا ۱۰ امتیاز (نسبتاً ضعیف)، ۱۱ تا ۱۵ امتیاز (متوسط) و ۱۶ تا ۲۰ امتیاز (خوب) و بیش از ۲۱ امتیاز (عالی) محسوب شدند.

مشاهده شد که بین درآمد متوسط ماهانه خانوارهای روستایی بر حسب موقعیت طبیعی روستاها رابطه معنی داری در سطح ۰/۰۰۱ وجود دارد (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: متوسط درآمد ماهانه خانوارهای روستایی بر حسب موقعیت طبیعی

کل	کوهستانی	جلگه‌ای	
۲۷۵/۰۰۰	۱۲۰/۰۰۰	۳۹۰/۰۰۰	متوسط درآمد ماهانه (ریال)

$$X^2 = 403$$

$$\text{Sin} = 0.001$$

در نواحی کوهستانی به دلیل عدم وجود امکانات و وسایل زندگی و ابزار جدید زنان روستایی وقت بیشتری را صرف تهیه سوخت و پخت و پز و کارهای نظافت خانه می‌کنند. در نتیجه ساعات فراغت و استراحت آنان کمتر از زنان روستاهای جلگه‌ای است. در جدول شماره ۸ چگونگی گذران اوقات فراغت زنان بر حسب موقعیت طبیعی روستاها مورد بررسی قرار گرفته است. با استفاده از آزمون «کی دو» مشخص شد که تقریباً رابطه معنی داری سطح ۰/۰۵ وجود دارد. یعنی زنان نواحی جلگه‌ای استراحت بیشتری دارند و اوقات بیشتری را صرف زیارت و گردش می‌کنند.

جدول شماره ۸: چگونگی گذران اوقات فراغت زنان روستایی بر حسب موقعیت طبیعی

ردیف	جلگه‌ای درصد	کوهستانی درصد	جمع درصد
۱	۲۷	۱۳	۴۰
۲	۳/۵	-	۳/۵
۳	۱۰/۴	۶/۱	۱۶/۵
۴	۱۵/۷	۲۰	۳۵/۷
۵	۱/۷	۲/۶	۴/۳

$$\text{Sin} = 0.006$$

فرضیه سوم: بین تمایل روستاییان به مهاجرت و شهرنشینی با موقعیت طبیعی روستاها رابطه وجود دارد. در این تحقیق مشاهده شد که بیشتر خانوارهای روستایی تمایل چندانی به شهرنشینی ندارند زیرا اغلب آنان در سالهای قبل این مهاجرت را انجام داده‌اند و از روستاهای دورتر شهرستان (بیشتر از

بخش کلات) به روستاهای اطراف مشهد آمده‌اند. در حال حاضر ۶۰٪ آنان از زندگی فعلی در روستا اظهار رضایت می‌کردند. بخشی از این گروه واقعاً روستا را برای زندگی ترجیح می‌دهند ولی بخشی دیگر ناچار به ماندن در روستا تن داده‌اند. زیرا بر مشکلات شهر واقف بودند و از سویی وابستگیهای مادی و معنوی ماندن آنها را تقویت می‌کرد. اما ۴۰٪ دیگر به شهرنشینی تمایل داشتند و مهمترین علل آن را وجود امکانات رفاهی، بهداشتی، امکانات تحصیلی، فرصتهای شغلی و درآمد بیشتر در شهر می‌دانستند.

در جدول شماره ۹ مهمترین عوامل تمایل به شهرنشینی بر حسب موقعیت طبیعی روستاها آورده شده است. اما با آزمون «کی دو» مشاهده شد که هیچ رابطه معنی داری در این خصوص وجود ندارد. به عبارتی سختی زندگی و کمبود امکانات و خدمات رفاهی در روستاهای کوهستانی تأثیری در میزان و تمایل شهرنشینی نداشته است و چنین تمایلی در روستاهای جلگه‌ای نیز مشاهده شده است.

جدول شماره ۹: مهمترین عوامل تمایل روستاییان به شهرنشینی بر حسب موقعیت طبیعی

ردیف	جلگه‌ای		کوهستانی		کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	-	-	۲	۴/۳	۲	۴/۳
۲	۴	۸/۷	۲	۴/۳	۶	۱۳
۳	۲	۴/۳	۳	۶/۵	۵	۱۰/۹
۴	۱۴	۳۰/۲	۱۳	۲۸/۳	۲۷	۵۸/۷
۵	۲	۴/۳	۱	۲/۲	۳	۶/۵
۶	۲	۴/۳	۱	۲/۲	۳	۶/۵
	۲۴	۵۱/۷	۲۲	۴۷/۸	۴۶	۱۰۰
	جمع					

NS = رابطه معنی دار نیست

در زمینه مهاجرت فصلی مردان روستا به شهر به منظور کار در شهر بر حسب موقعیت طبیعی روستاها آزمون «کی دو» انجام گرفت و مشخص شد که رابطه معنی داری وجود ندارد. به عبارتی با وجود مشاغل و فعالیتهای بیشتر در روستاهای جلگه‌ای و کمبود زمینه‌های شغلی و فعالیتهای درآمدزا در روستاهای کوهستانی، در هر دو نوع روستا پدیده مهاجرت وجود داشته و از این نظر تفاوتی دیده نمی‌شود. زیرا پدیده مهاجرت ابعاد مختلفی دارد و عوامل متعددی چون عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دافعه و جاذبه شهرها، عوامل فردی و خانوادگی و سایر خصوصیات فرهنگی در این پدیده دخالت دارند.